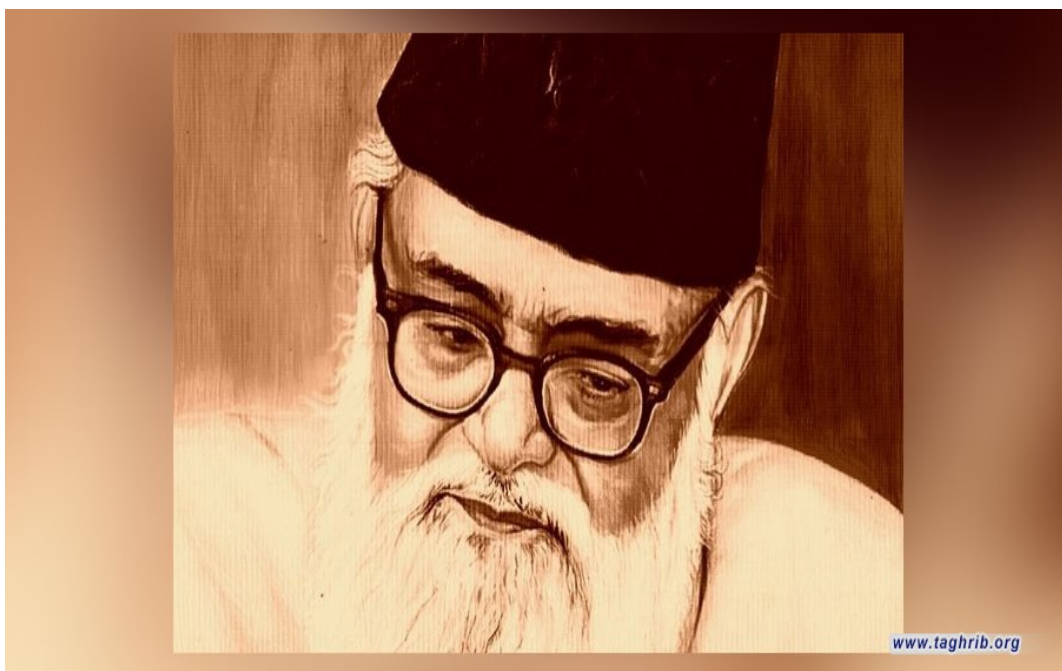


ابوالاعلی مودودی؛ انقلابی برای رویکردهای تمدن‌سوز وهابی



به گزارش حوزه اندیشه [خبرگزاری تقریب](#)، در این گزارش به بررسی گوشه‌هایی از زندگی مصلح بزرگ «ابوالاعلی مودودی» پرداخته‌ایم.

زندگی نامه
در سال ۱۹۰۳ در شهر اورنگ آباد از ایالت حیدرآباد هند به دنیا
آمد و نوجوانی‌اش را به عنوان یک روزنامه نگار گذراند. در سال
۱۹۲۷ نخستین اثر مهم خود را با عنوان «جهاد در اسلام» در
شماره‌های متوالی یک روزنامه می‌نوشت. چند سال بعد، او
ماهنامه‌ای تحت به نام «ترجمان القرآن» که به ترجمه و تفسیر
قرآن اختصاص داشت منتشر کرد و تا پایان زندگی خود در سال ۱۹۷۹

به انتشار آن ادامه داد. وی به دعوت اقبال لاهوری از حیدرآباد به لاهور مهاجرت کرده بود.

فعالیت‌ها

پیش از او سید جمال‌الدین اسدآبادی از نخستین شخصیت‌های جهان اسلام بود که برای پایه‌گذاری اسلام سیاسی و بنیادگرایی و نقش آفرینی اجتماعی آن تلاش کرد. این افراد با آنکه می‌خواستند از آموزه‌های دینی به منظور تشویق برای برای مقابله با استعمار خارجی بهره بگیرند، اما بهره‌جویی از تجارب علمی و سیاسی که تمدن غربی را به عظمت و توانایی خارق‌العاده رسانده بود نفی نمی‌کردند. تا دهه‌های چهل و پنجاه سده بیستم میلادی، معمولاً اندیشمندان مسلمان می‌کوشیدند اسلام را سازگار با تمدن مدرن نشان دهند و از تقابل تمدن غربی با اسلام جلوگیری کنند.

با شکست این بینش، "اسلام ایدئولوژیک و سیاسی" به آسانی راه خود را در میان جوامع اسلامی باز کرد. این بینش، پروژه‌ای تمدن‌ساز نبود و تلاش می‌کرد از آموزه‌های اسلامی، برنامه سیاسی سازمان‌یافته‌ای بیرون بیاورد و "دولت اسلامی" را پایه‌گذاری کند. در حقیقت اسلام سیاسی ریشه در تفکرات افرادی از قبیل مودودی دارد.

ادامه راه گذشتگان

ابوالاعلی مودودی نخستین کسی بود که مصرانه تلاش کرد رویکرد سیاسی محض به اسلام داشته باشد. او مؤسس جماعت اسلامی پاکستان است. حزبی که در پی احیای اسلام در شبه قاره هند و سپس در پاکستان بوده است.

او جماعت اسلامی پاکستان را در سال ۱۹۴۱ پایه گذاری کرد. تشکیلات او با الگوبرداری از احزاب کمونیست اروپا سازمان یافته بود. با آن که «جماعت اسلامی پاکستان» مانند «اخوان المسلمین» توفیق سیاسی و اجتماعی چندانی به دست نیاورد، اما تأثیر بینش بنیان گذار آن سازمان بر اندیشه مدرن اسلامی، بسیار عمیق بود. جماعت اسلامی مخالف تشکیل کشور پاکستان بود. استدلال مودودی به شکلی واضح و علنی این بود که اسلام را نمی توان و نباید به یک دولت- ملت محدود دانست. اما پس از تقسیم هند مودودی به پاکستان رفت و برای تشکیل حقوق شرعی یا حقوق اسلامی به تلاشی خستگی ناپذیر دست زد. خواسته اصلی حزب جماعت اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلام در کشور پاکستان بود.

اندیشه

مودودی، متعلق به جریانی است که بنیادگرا خوانده می شود. این جریان در واکنش به مدرنیته شکل گرفته و معتقد به بازگشت به سنت های اصیل اسلامی بدون هرگونه وسوسه برای انطباق آن با

آموزه‌های بشری است. یکی از بارزترین مشخصه‌های مودودی، رویکرد انکاری وی نسبت به پدیده‌های غربی بوده‌است. مودودی با صراحت اعلام کرد که اسلام، دموکراسی و لیبرالیسم نیست.

اسلام مشروطه‌خواه و لیبرالیسم نیست. اسلام تنها اسلام است و مسلمانان باید تصمیم بگیرند یا مسلمانی ناب باشند و به خدا شرک نوزند یا از رویارو شدن با جهان بر سر اسلام و مقتضای ایمان خویش اجتناب ورزند. مودودی تأکید دارد که اسلام واجد قوانین متعدد و گوناگونی برای نظام اجتماعی و مدنی است. او با تأثیرپذیری از ایدئولوژی‌های مدرن غربی، تلاش کرد اسلام را ایدئولوژی‌ای فراگیر و متمایز و برتر از نظام‌های سرمایه‌داری و کمونیسم معرفی کند.

مودودی با وجود تلاش برای نشان‌دادن تقابل میان مفاهیمی اسلامی با مفاهیم غربی، ایده‌هایی مانند ایدئولوژی اسلامی، حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی را از مفاهیم تمدن غربی اقتباس کرد. برای نمونه، منظور او از حکومت اسلامی، یک دولت غربی مدرن با همه ساختارهای سیاسی آن مانند مجلس، قوه قضائیه مستقل، قانون اساسی و... است. او در رساله «بنیان‌های قانون اسلامی» می‌گوید که "دولت اسلامی" باید بر تمام جنبه‌های زندگی عمومی و خصوصی شهروندان نظارت داشته باشد و از این جهت "با بلشویسم و فاشیسم شباهت‌های

نزدیک دارد".

اصطلاحات چهارگانه در قرآن
مودودی در کتاب جنجال^۱ برانگیز «اصطلاحات چهارگانه در قرآن» در سال ۱۹۴۱ میلادی ادعاهایی کرد که تا پیش از او وجود نداشتند. او مدعی شد که پس از عصر نزول قرآن، "مفاهیم اساسی قرآن" که از نظر او، عبارت^۲ اند از «ا^۳» و «رب» و «دین» و «عبادت»، در درازای سده^۴ های متوالی از نظرها مخفی ماند و مسلمانان نسبت به آن^۵ ها دچار سوء تفاهم شدند و به کنه معانی آن^۶ ها پی نبردند. آن^۷ ها «ا^۸» را به معنای بت و «رب» را به معنای پروردگار و «عبادت» را هم^۹ معنی خداپرستی و قربانی کردن و سجده و نماز و «دین» را مذهب پنداشته^{۱۰} اند. یعنی تمام تاریخ اسلام، پر از جهل و ضلالت و انحطاط بوده^{۱۱} است. او همچنین ادعا کرد که مفاهیم اساسی قرآن، حاکمیت و سلطه «ا^{۱۲}» و «رب» است و دین و عبادت راه^{۱۳} هایی برای رسیدن به این دو هستند.

این ادعاهای او صدای اعتراض ابوالحسن ندوی، دوست و هم^{۱۴} سنگر سابق مودودی، را نیز درآوردند. ندوی در کتاب «تفسیر سیاسی اسلام در نوشته^{۱۵} های مودودی و سید قطب» نوشت که مودودی و پیرو آن سید قطب، حتی رابطه انسان با خدا را رابطه^{۱۶} ای سیاسی عنوان کرده و رابطه حاکم و محکوم نشان داده^{۱۷} اند.

در حالیکه تعلق و رابطه خالق با مخلوق، رابطه ای مستحکم تر و عمیق تر است. سیاسی شدن رابطه خدا و بنده، باعث ایجاد رابطه ای بی روح و خشک بین مومن و خداوند و بدون معنویت و اخلاص درونی می شود.

به گفته ابوالحسن ندوی، مودودی حتی «الهیات اسلامی» را نیز تحریف و سیاسی کرده است. زیرا شرک در حاکمیت، با شرک در الوهیت و عبادت، برابر یا حتی بدتر از آن است. زیرا نخستین و مهم ترین هدف پیامبران در طول تاریخ، تصحیح عقاید مردم در رابطه با خدا و بندگی وی بوده است.

مودودی در این کتاب تصریح می کند که هیچ کدام از عبادات اسلامی مانند نماز، روزه، زکات و حج اموری مطلوب لذاته نیستند و تنها ابزاری برای تشکیل حکومت اسلامی هستند. ندوی در نقد این ادعا می گوید که معنی چنین بینشی این است که مسلمانان برای روح و جوهره پرستش و اخلاص، کمال نفس، و خشوع درونی خود ارزشی قائل نشوند و به قدرت و ثروت و مقاصد دنیوی روی بیاورند.

به گفته مودودی، پیامد این ادعا که هدف بعثت پیامبران، ایجاد انقلاب سیاسی بوده که از درون آن، تمدنی با اقتصاد و اجتماع سالم برآید و اینکه که خشنودی خدا و رستگاری در آخرت در گرو

ایجاد نظامی اسلامی است، این خواهد بود که مومنان به جای توجه به آخرت و طلب رضای پروردگار، همه تلاش خود را را برای به دست آوردن «قدرت سیاسی» به خرج می‌دهند و مسیر ماده‌پرستی را می‌پیمایند.

پیروان سید قطب بیشترین تأثیر را از مودودی گرفت. سید ولی نصر (فرزند سید حسین نصر) در کتاب «پیش‌قراولان انقلاب اسلامی؛ جماعت اسلامی پاکستان» مدعی شده که سید روح‌الله خمینی، کتاب «حکومت اسلامی» (ولایت فقیه) را با تأثیرگیری از مودودی نوشته است. سیاست‌مدار و جنگ‌سالار افغان به غیر از پیروی از اندیشه‌های مودودی، حتی تشکیلات سازمانی و روش‌های کاری خود را کاملاً از جماعت اسلامی پاکستان برگرفته است.

یکتاپرستی، دغدغه اساسی انبیا ابو الاعلی معتقد است وقتی تاریخ ملت‌های پیشین را در قرآن می‌خوانیم درمی‌یابیم که هیچ یک از امت‌های پیشین، منکر وجود خداوند نبوده‌اند. از قوم نوح تا ابراهیم، از عاد تا ثمود، از مردم مدین تا مردم جزیره العرب، همه و همه به وجود خداوند متعال اعتقاد داشته‌اند. سپس به طور تفصیل مسائل اختلافی انبیا با امت‌های خویش را ذکر می‌کند و روشن می‌سازد که موضوع اختلاف بین انبیا و مخالفان‌شان، نه اثبات وجود خدا، بلکه مسئله مهم

یکتا پرستی بوده است.

به نظر مودودی از آیات کلام الله معلوم می شود مشرکان و پرستندگان خدایان متعدد که با پیامبران مخالف و دشمن بودند، روی هم رفته وجود خداوند را انکار نمی کردند؛ بلکه همگی این نکته را قبول داشتند که خدایی وجود دارد که خالق آسمان ها و زمین و همه چیز است؛ اما آنها در مرحله توحید ربوبی و عبادی با انبیا اختلاف داشتند؛ از این رو در باور ابو الاعلی مدار تبلیغ پیامبران و محور درگیری آنان با دشمنان، «توحید در ذات» یا «توحید در خالقیت» نبوده؛ بلکه نقطهء ثقل تبلیغات انبیای الهی حول محور «توحید ربوبی» بوده است.

وی معتقد است مشرکان «الله» را قبول داشتند؛ اما چون به شرک ربوبی آلوده بودند، در واقع شرک آنها با انکار الوهیت فرق آن چنانی نداشت؛ زیرا اعتقاد به خدایی که آسمان و زمین و انسان را آفریده باشد، ولی با انسان کاری نداشته باشد و در تدبیر و ادارهء امور جهان، هیچ کاره باشد، انسان را در برابر خدا مسئول نمی سازد؛ همان گونه که منکران و ملحدان نیز، خود را در برابر خدا مسئول نمی دانستند؛ بنابراین عملاً با نظریهء الحادی که لازمه اش استقلال انسان است و هرگونه مسئولیت و عاقبت اندیشی را رد می کند، یکسان است و در آخر به تجاوز، دیکتاتورمنشی و وحشی گری می

انجامد.

احیای توحید، تنها راه اصلاح
ابو الاعلی با بیان اینکه مادامی که این فساد در رگ و ریشه
حیات اجتماعی سرایت و نفوذ داشته باشد، هیچ قانون و نقشه ای
نمی تواند در قلع و قمع جرثومه های شر و مفسد فردی و اجتماعی
مؤثر باشد، تنها راه خلاصی از این مصیبت را پناه آوردن به توحید
حقیقی معرفی می کند.

به باور مودودی اصل و اساس هر اصلاحی، پیروی از پروردگار بی
همتا است و هیچ کس جز ذات پاک او، شایسته و سزاوار تشریع و قانون
گذاری نیست؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و اله در آغاز
نهیض الهی شان، همهء کوشش خود را منحصر در دعوت توحید و کلمه
«لا إله الا الله» قرار دادند و کوچک ترین عنایتی به حل دیگر
مشکلات ابراز نفرمود.

به همین منظور پیامبر عظیم الشأن صلی الله علیه و اله در طول
سیزده سال، تنها موفق به تربیت حدود سیصد نفر شدند که به توحید
و اسلام حقیقی به طور کامل آشنا بودند؛ اما پس از هجرت به مدینه
با کمک همان سیصد نفر و طی ده سال، تقریباً کل عربستان را به
اسلام فراخواندند و طولی نکشید که دو امپراتوری بزرگ ایران و
روم، به وسیله همین پرورش یافتگان فرهنگ توحید، مقهور اسلام

شدند.

مودودی در مقام تحلیل این پیروزی، به تأثیر توحید در زندگی انسان ها اشاره می کند و روشن می سازد که عقیده صحیح و واقعی توحید، موحد را در زمینه های گوناگون بی نیاز می سازد.

حکومت اسلامی

زیربنای اندیشه دینی و اجتماعی مودودی را نوع نگرش او به مسئله توحید شکل می دهد؛ از این رو ابو الاعلی برای بیان مبانی و اصول نظام سیاسی اسلام، در گام نخست به تبیین جهان بینی توحیدی و سپس به نظام سیاسی اسلام مبادرت می ورزد. در نظر مودودی، بنیاد نظام سیاسی اسلام بر حاکمیت انحصاری الله و عبودیت او و نفی هرگونه شرک و جاهلیت پایه گذاری شده است.

ضرورت حکومت اسلامی

در باور ابو الاعلی، برپایی «حکومت الهی» و اجرای نظام زندگی الهی، هدف نهایی رسالت انبیا در دنیاست و تمام فسادها و تباهی های زندگی اجتماعی، از فساد حکومت ها سرچشمه می گیرد که یا خود شایع کننده آن است و یا به وسیله آن شایع می شود. وی با انتقاد از کسانی که تشکیل حکومت را وظیفه نمی دانند، بلکه وعده ای می دانند که خدا به متقین داده است، می نویسد: کسانی که چنین تصویری دارند، نمی دانند که اجرای عملی دین خدا احتیاج به تشکیل حکومت

دارد؛ از این رو قیام برای برپایی حکومت دینی در شریعت نه تنها مطلوب و مقصود است، بلکه جهاد برای آن واجب می باشد. از این رهگذر مودودی موضوع لزوم حکومت را در بسیاری از نگاشته هایش هم از منظر عقلی و هم از منظر غیر عقلی مورد بحث و بررسی قرار داده است.

حاکمیت اللّٰه و حاکمیت جاهلیت

همان طور که گذشت مسئله توحید به ویژه توحید در حاکمیت در اندیشه مودودی مسئله توحید در حاکمیت، بحثی ریشه ای و دامنه دار است؛ چه آنکه از نظر او فلسفه بعثت انبیا، همان گسترش توحید در الوهیت، حاکمیت و عبودیت بوده است. بر این اساس حاکمیت جهان تنها به خداوند متعال اختصاص دارد؛ زیرا خالق، مالک، مدیر و مدبر عالم فقط اوست.

همچنین حق حاکمیت قانون گذاری مختص اوست و کسی حق وضع قانون بر دیگران را ندارد؛ از این رو مودودی ریشه همه فسادها و آفت های جامعه را در حاکمیت غیر خدا می داند و هدف نهایی اسلام و پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و اله را نیز از بین بردن حاکمیت انسان بر انسان و برقراری حکومت مطلق خداوند یگانه بر همه عالم برمی شمرد.

مقابل وضع حاکمیت و عبودیت خدا، مودودی از وضع «جاهلیت»

و «طاغوت» نام می برد که مبنای آن، پذیرفتن ربوبیت کسی جز خدا و تدبیر امور فردی و اجتماعی بر اساس برنامه ای جز قوانین و فرمان های خداست.

به زعم مودودی، اندیشه سکولاریسم و نفی پیوند میان دین و سیاست که دنیای امروز به آن معتقد، و امری مرسوم در حکومت داری است، نمادی از جاهلیت جدید در عصر حاضر است؛ ازاین رو با بهره گیری از مفهوم حاکمیت اللّٰه، جوامع اسلامی را به دو دسته تقسیم می کند: جامعه اسلامی، و جامعه جاهلی و طاغوتی.

از نظر او جامعه جاهلی، جامعه ای است که حاکمیت و قوانین خدا در آن پذیرفته نیست؛ اما جامعه اسلامی، جامعه ای است که انسان ها در آن به یکتایی خدا، رسالت پیامبر صلاّی اللّٰه علیه و اله، روز جزا و آخرت ایمان دارند و زندگی فردی و اجتماعی خود را بر اساس رهنمودهای خدا و قرآن سامان می دهند.

حکومت اسلامی و انقلاب
از منظر مودودی برای این منظور (ایجاد حکومت اسلامی) یک رشته عملیات مقدماتی و محرکات اجتماعی و مقتضیات فطری لازم است تا حکومت پدید آید، و آن هم از راه «انقلاب اسلامی» به دست می آید. ایده انقلاب، یک بحث مهم و اساسی در فلسفه سیاسی مودودی است. به اعتقاد او تأسیس حکومت اسلامی، تنها از طریق انقلاب اسلامی

میسّر است؛ انقلابی که نقطه اوج تقابل اسلام و غیر اسلام به شمار می رود.

انقلاب مورد نظر ابو الاعلیٰ مظهر حرکت و جنبشی است بر اساس فکر و نظریه حیاتی اسلام و بر پایه قواعد و ارزش های اخلاقی و عملی که موافق و ملایم طبیعت آن باشد؛ از این رو انقلاب مدّ نظر او، یک انقلاب روحانی مبتنی بر تعلیم و تعلّم است، نه یک انقلاب فیزیکی خشونت آمیز. البته موضع مودودی درباره خشونت، یک سان نبوده و در مواردی آن را جایز، بلکه برای اهداف انقلاب اسلامی، لازم دانسته است.

ویژگی های حکومت اسلامی
با توجه به جهان بینی توحیدی که در آن حق حاکمیت و قانون گذاری منحصر در خداست، مودودی در خصوص حکومت اسلامی، ویژگی های ذیل را بیان می کند:

1. نظام حکومتی اسلام «دمکراسی» به مفهوم رایج غربی نخواهد بود؛ زیرا در دمکراسی غربی، حق حاکمیت و قانون گذاری با مردم است؛ همچنین اطلاق جمهوری به مفهوم رایج نیز، بر نظام حکومت اسلامی صحیح نیست؛ بلکه تعبیر درست، حکومت الهی یا «تئوکراسی» است. با این حال مودودی به درستی می فهمد که این عنوان (تئوکراسی)

نظام تئوکراسی مسیحی در غرب را تداعی می کند که چیزی جز حکومت خودسرانه و ظالمانه اربابان و متولیان دینی نبوده است و چندان خوش نام نیست؛ ازاین رو به صراحت اعلام می کند که تئوکراسی مورد نظر او با تئوکراسی اروپایی، تفاوت اساسی دارد؛ چه آنکه نظام تئوکراسی اروپایی بیش از آنکه نظام الهی باشد، نظام طاغوتی است.

بنا براین حکومت اسلامی در نظر مودودی، دمکراسی و تئوکراسی آن گونه که در غرب رواج دارد- نیست؛ ازاین رو اگر او در جایی از سازگاری اسلام با روح دمکراسی سخن می راند، فقط نظر به حاکمیت محدود مردم در حکومت اسلامی تحت کنترل و نظارت خداوند دارد، نه چیز دیگر؛ به همین دلیل می گوید:

-اگر اجازه داشتم تا واژه جدید بیفزایم، این نظام حکومتی را «تئو-دمکراسی» یا حکومت خدا بر مردم و یا به عبارتی «حکومت دمکراتیک الهی» می نامیدم؛ زیرا در این نوع حکومت، به مسلمانان یک حاکمیت محدود عمومی تحت نظارت خداوند داده شده است.

2. حکومت اسلامی مورد نظر مودودی، حکومتی ایدئولوژیک است؛ در نتیجه امور آن را باید کسانی اداره و تدبیر کنند که به مبانی و اصول آن اعتقاد داشته باشند. هرکس که به اسلام ایمان داشته باشد

و شریعت را مبنای زندگی خود قرار دهد، می تواند به جرگه حکومت کنندگان بپیوندد؛ اما کسانی که مسلمان نیستند، هیچ حقی در این خصوص ندارند.

3. هدف حکومت اسلامی، تنها برقراری امنیت و نظم نیست؛ بلکه اهداف دیگری دارد که عبارتند از حفظ مال و جان و ناموس شهروندان؛ حفظ آزادی های شخصی؛ فراهم کردن احتیاجات ضروری فرد فرد مسلمانان ساکن؛ استقرار عدالت و ریشه کردن ستم؛ برقراری احکام و برپایی نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر؛ پرورش اخلاق و صفات پسندیده و سرکوبی پلیدی ها.

4. مبنای یک پارچگی نظام اسلامی، اصول فکری و عقیدتی است، نه شاخص های قومی، زبانی، تاریخی و سرزمینی؛ از این رو مرزهای حکومت اسلامی در نظر مودودی، اعتقادی است نه جغرافیایی.

جهاد اسلامی

از دیدگاه ابو الاعلی مودودی، دعوت انقلابی اسلام با تکیه بر عقیده بنیادی «توحید»، عامل جنبش اجتماعی سازنده ای بود که در مرحله اول کسوت الوهیت را از تن کسانی که با انواع حیل ها و توطئه ها مردم را به بردگی کشیده اند، بیرون کرد و در مرحله دوم نظام حکومت الهی را در جامعه انسانی برپا ساخت.

اسلام، تفکر و نظامی انقلابی است که هدفش، «در هم ریختن نظام های فاسد حاکم و ریختن شالودهء نظامی عادل و مترقی است» و هدف نهایی اش، مبارزه با جامعهء جاهلی، از بین بردن سلطهء انسان بر انسان، تشکیل جامعه توحیدی و برپایی حکومت مطلق خداوند یگانه در همهء عالم است؛ ازاین رو فریضه ای به نام «جهاد» برای رسیدن به این اهداف مقدس در تعالیم اسلامی تعبیه شده است.

بنابراین از نظر مودودی جهاد، در حقیقت مبارزه ای انقلابی با عوامل ضد انقلاب است که مانع رسیدن به اهداف عالی اسلام هستند. به عبارت دیگر «جهاد، کوششی است مستمر و مبارزه ای است پیگیر در طریق تأمین نظام حق».

به زعم مودودی، مسلمانان باید پس از ایمان آوردن به حقانیت اسلام، تمام تلاش خود را در راه استقرار آن به کار گیرند؛ چه آنکه مسلمان واقعی نمی تواند شاهد حاکمیت و برپایی نظام جاهلیت باشد، و اگر راضی بر آن باشد، در حقیقت مؤمن نیست؛ اگرچه با خضوع و خشوع کامل نماز بخواند و روزه بگیرد.

جهاد علمی-فرهنگی

مودودی معتقد است خلافت اسلامی به پادشاهی دگرگون شد و به مرور برخی از مظاهر نظام جاهلی جان گرفت و با ظواهر اسلامی پیوند خورد، به حدی که مقابله با آن همواره از مقابله با جاهلیت

عریان، هزاران مرتبه سخت تر شد؛ بدین جهت مبارزه با مظاهر جاهلیت در جوامع اسلامی و در میان مسلمانان را با جهاد فرهنگی و انقلاب فکری و اخلاقی، امکان پذیر می دانست و بر اهمیت و لزوم تجدید دین به وسیله مجددان واقعی تأکید فراوان می کرد.

ابو الاعلی از این جهاد اسلامی گاهی با نام «انقلاب اسلامی» یاد می کند و گاهی «جهاد علمی و فرهنگی»، و معتقد است این کار یک انقلاب ذهنی، معنوی و علمی مبتنی بر الگوی تعلیم و تربیت اسلامی است که گام به گام تحقق می یابد و در حد امکان از خشونت فیزیکی به دور است. در واقع انقلاب از دیدگاه مودودی، تغییر تدریجی بنیادین در جهان هنجاری، ارزشی، ذهنی، روحی و معنوی تک تک افراد جامعه و بازسازی آن بر مبنای اندیشه ها و جهان بینی اسلامی است.

به اعتقاد مودودی، وظیفه علمای اسلام آن است که مبادی و اصول تمدن جدید را به خوبی بیاموزند؛ برای کسب علومی که بن مایه تمدن جدید به شمار می روند، به غرب هجرت کنند؛ نیروی فکری خویش را به کار اندازند و اکتشافات علمی و روش علمی پیشرفت تمدن غربی را فراگیرند و به وسیله معلومات و کشفیات تازه خویش، نظام فرهنگ و تمدن اسلام را در ضمن مبادی و اصول اسلام اصلاح کنند تا خسارت بزرگی که از ناحیه جمود فکری و عملی ایشان بر پیکر جامعه اسلامی وارد شده، تا حدودی جبران شود.

ابو الاعلی مودودی در راستای احیای جهاد فکری و علمی در بسیاری از آثار خود در صدد شناساندن ماهیت تمدن غربی به ویژه مبانی فکری و نظری آن بوده و بدین ترتیب گاهی بسیاری از آموزه ها و بنیادهای فکری آن را بررسی و نقد کرده است.

حق آزادی در نگاه مودودی حق آزادی یا حق انتخاب میان دو یا چند گزینه و تحمیل نکردن اندیشهء خاص، از مواهب بزرگ الهی است که خداوند متعال آن را به انسان ها ارزانی کرده است و از ابتدایی ترین حقوق شهروندی در حکومت اسلامی به شمار می آید؛ به طوری که احدی حق ندارد آن را از کسی سلب کند.

از نظر مودودی، بزرگ ترین چالش فراروی بشر در خصوص حق آزادی، سلطه انسان بر انسان یا همان بردگی انسان به دست انسان است که همواره بشر را رنج می داده است. به تعبیر ایشان، در بین تمام مظاهر وجود، فقط انسان بوده است که ادعای الوهیت داشته و خواسته است دیگران را به بردگی بکشاند. ازاین رو احیای آزادی در نگرش مودودی، در حقیقت آزادی از یوغ بردگی هم نوعان است.

ابوالاعلی به صورت تلویحی تأیید می کند که برقراری آزادی مطلق در نظام اجتماعی انسان ها ممکن نیست. او در این باره می گوید:

اینکه در اسلام، حق قانون گذاری منحصر در خداوند است و پروردگار متعال حق وضع قانون را از انسان ها سلب کرده، در حقیقت در راستای پاسداشت حق آزادی است، نه سلب آزادی؛ زیرا خداوند متعال می دانست محدوده علم انسان ها اندک است و واگذاری حق قانون گذاری به انسان در واقع گمراه کردن او و تیشه به ریشه انسان زدن است؛ ازاین رو خود پروردگار به جهت آگاهی کامل از چندوچون آفریده ها قانون جاودانه آنان را پی ریخت و آن را در قالب ادیان الهی برای بشر به ارمغان آورد.

وی اشاره می کند که با ظهور اسلام و ترویج اصل توحید، حق آزادی رأی و روحیه آزادی در مسلمانان ایجاد شد؛ اما متأسفانه با تبدیل خلافت اسلامی به امپراتوری و پادشاهی، آزادی رأی تا حدود زیادی از بین رفت و محیط اختناق و یک صدایی و سرکوبی مخالفان در دوران حاکمیت معاویه و با کشته شدن «حجر بن عدی» آغاز شد و سالیان متمادی ادامه پیدا کرد. بر این اساس ایشان یکی از انگیزه های قیام امام حسین علیه السلام را نبود آزادی در انتخاب خلیفه و نبود آزادی عقیده در دوران اختناق شدید حاکمیت یزید دانسته است.

آزادی و جامعه اسلامی

یکی از پیامدهای عمده مکتب رهایی بخش اسلام، اعطای آزادی به جامعه انسانی است. دین اسلام در این باره اصل را بر آزادی و

عدم تسلط فرد بر دیگران قرار داده است؛ از این رو کسی حق ندارد آزادی را از هم نوعان خود سلب کند و آنها را به بردگی بکشد. مودودی در مورد حق آزادی در جامعه اسلامی بر آن است که باید انتخاب زمامداران در حکومت اسلامی به توده ها واگذار شود و آنها در آزادی کامل افرادی را برگزینند که شایسته این منصب هستند؛ از این رو به نظر مودودی در جامعه اسلامی، احادی حق ندارد با زور و سلب آزادی بر مردم مسلط شود و اگر چنین شود، حاکمیتش هیچ گاه مشروع نخواهد بود.

همچنین از نظر مودودی منشأ همهء گرفتاری ها و بدبختی ها در جوامع انسانی، رهبری حاکمان فاسق و نالایق بوده و هست و راه برون رفت آن، آزادی توده ها در انتخاب رهبران شایسته است.

دستگیری

در سال ۱۹۵۳ که رساله قدیانی ستیز او منجر به بروز اعمالی غیرقانونی در سراسر پاکستان شده بود دستگیر شد. دادگاه حکومت نظامی، حکم اعدام او را صادر کرد. در زندان بارها از او خواسته شد تا درخواست بخشودگی کند و خواستار تخفیف مجازات اعدامش شود اما مودودی از این کار سر باز زد. با همین اقدام بود که جایگاه او به عنوان یک چهره اسلامی در سده بیستم تثبیت شد. با این وجود مجازات او بعدتر تخفیف یافت و از زندان آزاد شد.

او در آوریل ۱۹۷۹ به علت مشکلات قلب و کلیوی برای درمان به شهر بافلو در ایالت نیویورک، ایالات متحده آمریکا رفت و پس از چند عمل جراحی در ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹ درگذشت. مراسم تشییع جنازه او در شهر بافلو برگزار شد ولی در محل نامعلومی در منطقه ایچرا در شهر لاهور به خاک سپرده شد.